

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد حسین یحیانی

۰۹ نومبر ۲۰۲۳



محمد حسین یحیانی

## ۱۰۰ سال از برپائی جمهوری لائیک ترکیه گذشت

جمهوری ترکیه در همسایگی ایران مشترکات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ساختاری فراوانی باهم دارند، این دو کشور میراث دار دو امپراتوری در سال های دور و چند سده گذشته، بار ها برای برپائی هژمونی خود در منطقه گاهی به خواست خود و گاهی دیگر به تحریک نیرو های بیگانه و امپریالیستی به هم تاخته و همواره در نبرد مذهبی آشکار و پنهان بوده اند، ولی در همه تحولات اجتماعی و سیاسی بشدت در هم تأثیر گذارده اند، تا جائی که هر اقدام سیاسی و اجتماعی بیشتر در دولت عثمانی بعد از مدت کوتاهی در ایران دوره قاجار و پهلوی به اجراء در آمده است. در ایران سال های طولانی تورک ها در مسند قدرت و فرمانروائی قرار داشتند ولی همزمان ایران گرا بودند و در ترکیه هم سلاطین عثمانی به فرهنگ و زبان فارسی عشق می ورزیدند، ( شاه اسماعیل به تورکی شعر می سرود و سلطان سلیم به فارسی) در پایان هر دو امپراتوری سقوط کردند و نظام های گوناگونی بر دو کشور حاکم شدند که باید به دقت مورد بررسی قرار گیرند زیرا از دل امپراتوری عثمانی که خود را اسلام پناه می نامید جمهوری لائیک ترکیه شکل گرفت و همچنان ادامه دارد ولی در ایران نظام شاهنشاهی استبدادی ادامه یافت تا به رژیم ولایت انجامید.

هر دو کشور همزمان متوجه عقب ماندگی های خود از قافله پیشرفت و تمدن شدند و برای برون رفت از آن تلاش کردند، روشنفکران هر دو کشور شیفته قانون گرائی، آموزش همگانی، روشنگری و آزادی خواهی اروپا به ویژه فرانسه شدند و برای آموزش و یادگیری راز و رمز آن عازم اروپا گردیدند، امپراتوری عثمانی زودتر از ایران دست به کار شد و به علت نزدیکی به اروپا و گسترده بودن روابط با آنجا تلاش ورزید تا قانون گرائی را در سرزمین خود برقرار سازد، در این راستا دوره تنظیمات و مشروطه خواهی در دولت عثمانی پیش برده شد، ایران هم برای جبران عقب ماندگی از یک سو با استبداد داخلی جنگید و از سوی دیگر مشروطه خواهی را تبلیغ کرد ولی در هر دو کشور نیرو های ارتجاعی در مبارزه با تجدد و مدرنیسم لحظه ای از پای ننشستند و به شیوه های گوناگون با هر گونه نو

اندیشی مبارزه کردند. ولی به هر روی، قافله مدرنیسم در جهان سر باز ایستادن نداشت و پیش می رفت، در این میان تعدادی از روشنفکران ایران در استانبول ساکن شدند و نشریه (اختر) چاپ کردند و از راه های گوناگون به توزیع آن در داخل ایران پرداختند.

جنگ جهانی اول ضربه نهائی را به دو امپراتوری کهنسال منطقه زد، بیماری و قحطی ایران و دولت قاجار را به زانو در آورد (میلیون ها انسان جان باختند) و نیرو های متفق وارد اراضی عثمانی در همه مناطق تحت حاکمیت عثمانی شدند تا جایی که استانبول هم در دست بریتانیا قرار گرفت، در این مرحله تعدادی از افسران جوان به رهبری «مصطفی کمال پاشا» برای نجات کشور عازم آناتولی شدند تا راه نجاتی برای کشور خود پیدا کنند و به استقلال برسند. این گروه از افسران به رهبری آتاتورک مورد استقبال مردم قرار گرفتند. گذر زمان و پی گیری مبارزه داشت به نتیجه می رسید تا جایی که آخرین سرباز بریتانیا در تابستان ۱۳۰۱ خورشیدی استانبول را ترک کرد، نبرد بی امان مردم برای استقلال جواب داد، دولت سازی مدرن در اوایل قرن بیستم در منطقه به ویژه در ایران، افغانستان و ترکیه از سوی نظامی های نوگرا آغاز شده بود. مصطفی کمال که بعد ها عنوان «آتا تورک» را مجلس ملی تورکیه به وی داد شیفته غرب به ویژه فرانسه و نظام «لائیک» آن بود. آتاتورک انقلاب فراتسه (۱۷۸۹) را مورد بررسی قرار داده بود، دستاورد های رنسانس در قرن ۱۵ و در پی آن روشنگری های آن دوره را تا جدائی دولت از کلیسا که عامل بزرگ در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی بود زیر نظر داشت، از آن رو در اولین فرصت «لائیسیته» را وارد قانون اساسی و از اصولی قرار داد که غیر قابل تغییر و حذف باشد.

جمهوری ترکیه در ۲۹ اکتوبر ۱۹۲۳ (۶ آبانماه-عقرب- ۱۳۰۲) در انقره در یک ساختمان کهنه اعلام موجودیت کرد و شکل نهائی گرفت، تا آن روز نظام پیشین از سوی پارلمان منحل شده بود، نظامی که خود را امپراتوری جهان اسلام می خواند، از آن رو طرفداران اسلامگرا موقعیت خود را در خطر دیدند و برای بازگشت به دوران پیشین تلاش ها و اقدامات فراوانی کردند که گاهی با خونریزی همراه بود ولی آتاتورک و همزمانش عقب نشینی نکردند و برای مدرن سازی ساختار سیاسی و اجتماعی تورکیه نوین به انقلاب های پایدار و پیگیر دست زدند، تغییر الفباء از عربی به لاتین ضربه بزرگ و مهمی به ارتجاع وارد کرد، به دنبال آن آزادی زنان، الغاء القاب، متحد الشکل کردن لباس و پوشش، پایه های دولت مدرن تورکیه را تقویت کرد. در این میان انقلاب اکتوبر روسیه هم به این روند شتاب بیشتری می داد و روشنفکران چپگرا زمینه رشد سیاسی و فرهنگی را فراهم می کردند و در مبارزه با ارتجاع قدم های مؤثری بر می داشتند.

آتاتورک انقلاب خود را مانند انقلاب مشروطه در ایران ملی و دموکراتیک می خواند و زمینه همکاری تجاری را با بزرگ مالکان فراهم می آورد و برای تشویق خرده مالکان در سال ۱۹۲۵ دریافت مالیات از آنان را حذف کرد تا پایگاه خود را در بین توده های مردم تقویت کند.

ترکیه تا اوایل دهه پنجاه میلادی با نظام تک حزبی اداره شد و سپس احزاب گوناگون در آن تشکیل شدند، از آن به بعد در نهاد های نظامی مانند ناتو و سنتو عضو شد سپس تلاش ورزید تا به عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته شود، در این مدت به دفعات گرفتار کودتا های نظامی شد که ضربات سخت و سهمگینی به پروسه دموکراسی وارد کردند، در همه این مدت اسلامگراها تلاش ورزیدند تا با نفوذ به ارگان ها و یا نهاد های دولتی و فرهنگی به لائیسیته ترکیه خدشه وارد کنند ولی هوشیاری توده های مردم به ویژه روشنفکران، زنان، احزاب سیاسی و سندیکاهای کارگری مانع از آن شده اند.

از سال ۲۰۰۳ حزب عدالت و توسعه رهبری سیاسی جامعه را در دست گرفته که در آن اسلامگرایان فعال هستند ولی توان گذر از لائیسیتته را ندارند زیرا هم صاحبان سرمایه و هم افراد جامعه از هر قشر و طبقه ای از آن نگرانی می کنند و هیچ نیروئی قدرت گذر از لائیسیتته را ندارد. در این میان باید یادآور شد که توده های مردم به ویژه روشنفکران و زنان به آنا تورک عشق می ورزند . همواره یاد این بزرگ مرد تاریخ تورکیه را گرمی می دارند. جشن های بزرگ و با شکوه بزرگداشت صدمین سال بنیانگذاری جمهوری مدرن و لائیک ترکیه در روستا ها و شهر ها با شکوه بزرگی برگزار شد و بار دیگر مجسمه های آتاتورک در نقاط مختلف کشور گلباران شدند، همزمان با آن دستاورد های صنعتی تورکیه به ویژه در صنایع هوا فضا به نمایش گذارده شد و بیش از ۱۰۰ کشتی و تعداد زیادی پهباد بر فراز تنگه بسفور به پرواز درآمد تا توان رزمی خود را نشان دهد.

یکی از موفقیت های ترکیه در مدرن سازی خود بدون تردید پیشبرد لائیسیتته در هر شرایطی است که می تواند مانع از نفوذ ارتجاع به شیوه های گوناگون در نهاد های دولتی و فرهنگی شود، مدرن سازی در اوایل قرن بیستم در سه کشور افغانستان، ایران و ترکیه همزمان شروع شد و افسران جوان و نوگرا خواهان پیشبرد آن بودند، ولی در ایران و افغانستان شکست خوردند، در ایران که انقلاب مشروطه را پشت سر گذاشته بود، رژیم ارتجاعی ولایت و در افغانستان رژیم امارات اسلامی بعد از سال ها کش و قوس (افت و خیز) برقرار شد، به نظر می رسد که باید تاریخ اجتماعی و سیاسی منطقه بار دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد و علل برگشت به ارتجاع شکافته شود هر چند اینگونه رژیم ها پایدار نخواهند ماند و با خواست و ارده مردم به تاریخ خواهند پیوست...

محمد حسین یحیائی